خبر

اولتیماتوم دوباره بهمنی به بانک‌ها

پایان تیر آخرین مهلت افزایش سرمایه

■ **مهر:** رییس کل بانک مرکزی آخرین مهلت افزایش سرمایه بانک‌های خصوصی به ۴۰۰ میلیارد تومان را پایان تیرماه جاری اعلام کرد و گفت: درجه بانک‌هایی که به ابلاغیه بانک مرکزی عمل نکنند، تنزل می‌یابد. محمود بهمنی آخرین مهلت افزایش سرمایه بانک‌ها را پایان ماه جاری اعلام کرد و گفت: بر اساس مصوبه شورای پول و اعتبار، بانک‌های خصوصی موظف هستند سرمایه خود را به ۴۰۰ میلیارد تومان افزایش دهند. رییس کل بانک مرکزی با تاکید بر اینکه همچنین موسسات مالی و اعتباری نیز باید سرمایه خود را حداقل به ۳۰۰ میلیارد تومان برسانند، خاطرنشان کرد: در غیر این‌صورت درجه آنها تنزل خواهد یافت. وی با بیان اینکه مصوبه افزایش توان اعتباری بانک‌ها و موسسات اعتباری به آنها ابلاغ شده است، تصریح کرد: با توجه به اینکه برگزاری مجامع بانک‌ها و موسسات اعتباری تا پایان تیرماه انجام می‌شود، مهلت قبلی افزایش سرمایه به پایان تیرماه تمدید شد. به گفته بهمنی؛ پیش از این، بانک مرکزی به بانک‌های خصوصی و موسسات اعتباری اعلام کرده بود که موظف هستند سرمایه خود را تا پایان اسفندماه افزایش دهند که با درخواست‌هایی که مطرح کردند، مهلت افزایش سرمایه به پایان تیرماه تمدید شد. وی تاکید کرد: اگر بانک‌ها و موسسات اعتباری در مهلت تعیین‌شده افزایش سرمایه ندهند، بانک مرکزی درجه بانکی آنها را تنزل داده و به موسسه مالی و اعتباری تبدیل می‌شوند و براین اساس در فعالیت‌های خود با محدودیت‌هایی مواجه خواهند شد. بر اساس مصوبه شورای پول و اعتبار، بانک‌های موجود و بانک‌هایی که اخیرا مجوز گرفته‌اند، موظفند تا پایان سال گذشته سرمایه خود را از ۲۰۰ میلیارد تومان به ۴۰۰ میلیارد تومان افزایش دهند؛ این در حالی است که تنها کمتر از یک‌ماه قبل از تصویب این مصوبه در شورای پول و اعتبار، بانک مرکزی بر اساس مصوبه دیگری سرمایه بانک‌ها را کاهش داده بود و سرمایه بانک‌های خصوصی از رقم ۳۵۰ میلیارد تومان به ۲۰۰ میلیارد تومان کاهش یافته بود. هم‌اکنون سناریوهای مختلفی برای افزایش سرمایه مجدد بانک‌های خصوصی در حال مطرح شدن در جلسات کارشناسی و سپس فرعی شورای پول و اعتبار است که در نهایت به شورای پول و اعتبار ارایه خواهد شد. طبق این پیشنهاد سناریوهای مختلفی برای افزایش سرمایه بانک‌های خصوصی به ۵۰۰ میلیارد تومان، ۶۰۰ میلیارد تومان یا ۸۰۰ میلیارد تومان مطرح است.

تخفیف بیمه‌ای کارفرمایان متوقف شد

احتمال تعدیل ۳ میلیون نیروی کار

■ **مهر:** با عدم اجرای ماده «۸۰» برنامه پنجم توسعه و توقف اعمال تخفیفات بیمه‌ای کارفرمایان توسط تامین اجتماعی در جذب نیروهای مازاد، هم‌اکنون سه میلیون شاغل به صورت مستقیم و ۱۲ میلیون نفر از خانواده‌های آنها به صورت غیرمستقیم در خطر اخراج و از دست دادن شغل قرار گرفته‌اند. به گزارش مهر، اعمال حمایت‌های تشویقی و کمک‌های غیرمستقیم مالی از سوی دولت برای ایجاد فرصت‌های جدید شغلی در کشور فقط مصوبات شورای‌عالی اشتغال و ابلاغ آن به استانداران نیست؛ به نحوی که در این ارتباط روش‌های مکمل دیگری نیز در نظر گرفته می‌شود. یکی از این موارد ایجاد تکالیف برنامه‌ای در راستای تشویق کارفرمایان و بنگاه‌های اقتصادی کشور به جذب نیروی کار جدید و حفظ شرایط اشتغالی بنگاه است.

ورود سم تقلبی به کشور

■ **فارس:** سازمان حفظ نباتات با اعلام خبر ورود سم تقلبی به کشور به استفاده‌کنندگان آن هشدار داد. به گزارش روابط عمومی سازمان حفظ نباتات، این سازمان از تاریخ اول مهر سال گذشته سم آندوسولفان را از فهرست سموم مجاز کشور حذف کرده است. بر اساس این گزارش، سم آندوسولفان در اغلب کشورها نیز ممنوع و از مصرف آن جلوگیری به‌عمل می‌آید. در این گزارش آمده است: این سم از مبادی غیررسمی و به صورت قاچاق از کشورهایی مانند پاکستان، ترکیه و اردن وارد کشور شده است. این گزارش تاکید کرده است: خسارت جنبی وارده به محیط زیست و بهداشت عمومی در صورت استفاده از این سم نیز پیگرد قانونی داشته و با متخلفان برخورد قانونی می‌شود.

با توافق اوباما و عبدالله ۶۰میلیون بشکه از ذخایر استراتژیک نفت وارد بازار شد

سقوط ۷ دلاری نفت

رضا زندی

پیامدهای اختلاف اعضای اوپک در اجلاس صدوپنجاه‌ونهم ظاهر شدند. سازمان بین‌المللی انرژی برای سومین‌بار در تاریخ ۳۷ ساله‌اش، ذخایر استراتژیک نفتی را وارد بازار کرد. قیمت نفت برنت بلافاصله در روز پنجشنبه شش دلار و ۹۵ سنت سقوط کرد. شاهزاده سعودی برای ایران «رجز» نفتی خواند و روابط اوپک و مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی تیره و تار شد. در شرایطی که انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا پا به صحنه گذاشته، کشورهای اروپایی در محاق بحران اقتصادی یونان گرفتار آمده و اعراب آبستن انقلابند، نفت «بازی» خود را آغاز کرده است. بازیگران نفتی، جیب «پرپول» دارند و «نقاب سیاست» در دست. این نخستین‌بار نیست که سازمان بین‌المللی انرژی (IEA) به عنوان نماینده مصرف‌کننده روبه‌روی سازمان کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت ایستاده است اما شاید برای اولین‌بار باشد که نیمی از اعضای اوپک به رهبری عربستان کنار IEA نشسته‌اند. ایران کجای این بازی است.

۶۰ میلیون بشکه نفت به بازار ریختند

سازمان بین‌المللی انرژی، هفته گذشته اعلام کرد: ۶۰ میلیون بشکه از ذخایر استراتژیک نفت کشورهای صنعتی را روانه بازار خواهد کرد. ذخایر استراتژیک نفت برای روزهای بسیار سخت تدارک می‌شود. IEA پیش از این تنها دو بار از ذخایر استراتژیک‌اش استفاده کرده بود. مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی، از غرب و شرق اعضای این سازمان هستند. این تصمیم برای آن اتخاذ شده است که قیمت نفت کاهش یابد. سازمان بین‌المللی انرژی اعلام کرده است: «ناآرامی‌ها در لیبی موجب شده که برخی اعضای این سازمان تصمیم به فروش ذخایر استراتژیک خود بگیرند و ۶۰ میلیون بشکه وارد بازار جهانی شود.» با این تصمیم، عرضه نفت در بازارهای جهانی ۲/۲ درصد افزایش خواهد یافت. بنابر اعلام IEA ،بحران لیبی بازار انرژی را تا پایان ماه می میلادی مجموعا از ۱۳۲ میلیون بشکه نفت محروم کرده است. به نوشته رویترز؛ این نگرانی وجود داشت که با آغاز فصل سفر در آمریکا، قیمت نفت نیز افزایش یابد. هدف از عرضه این ذخایر استراتژیک، کاهش قیمت انرژی و جلوگیری از کاهش رشد اقتصادی جهان است. سازمان بین‌المللی انرژی پیش از این از اوپک خواسته بود تا تولید نفتش را در اجلاس اخیر افزایش دهد که به دلیل مخالفت نیمی از اعضا، محقق نشد.

البدری: نفت نباید سلاح باشد

سال‌هاست که اوپک و IEA به عنوان دو سازمان موثر در عرضه و تقاضای نفت می‌کوشند تا روابط مسالمت‌آمیزی با هم داشته باشند. اوپکی‌ها امنیت تقاضا را برای تضمین سرمایه‌گذاری در افزایش تولید نفت طلب می‌کنند و IEA تداوم عرضه مطمئن نفت را می‌خواهد. این دو حدود ۲۰ سال است با وجود تمام فراز و نشیب‌ها به یک همزیستی مسالمت‌آمیز رسیده‌اند. رابطه‌ای که با تصمیم اخیر سازمان بین‌المللی انرژی برای گشودن در ذخایر استراتژیک به چالش کشیده خواهد شد. عبدالله سالم البدری، دبیرکل اوپک، پس از پایان اجلاس وزرا، هشدار داده بود که استفاده از ذخایر استراتژیک انرژی کشورهای صنعتی اقدامی غیرحرفه‌ای خواهد بود: «ذخایر استراتژیک انرژی نباید به عنوان ابزار و سلاحی در برابر اوپک استفاده شود.» یک مقام اوپکی‌ها در گفت‌وگوی رسانه‌ای از اقدام اخیر IEA انتقاد کرده است: «قیمت نفت هنوز به ۱۵۰ دلار در هر بشکه نرسیده است و هیچ توجیهی برای این اقدام سازمان بین‌المللی انرژی وجود ندارد. بازار نفت با کمبود روبه‌رو نیست. در شرایط کنونی تقاضای مازادی برای نفت تولیدی وجود ندارد.»

اعتمادشان به اوپک کم شده است

تصمیم عرضه ذخایر استراتژیک نفت، پس از ناکامی اجلاس وزرای اوپک مدافعانی هم دارد. یک کارشناس ارشد انرژی آمریکا به رویترز گفته است: «سازمان بین‌المللی انرژی با این اقدام خود نشان داد که می‌خواهد مانند یک بانک مرکزی عمل کند. این سازمان نگران شکاف موجود بین عرضه و تقاضای نفت بود و قصد دارد با پر کردن این شکاف از افزایش قیمت نفت جلوگیری کند.» کارشناس موسسه مورگان نیز این اقدام IEA را اقتصادی ارزیابی کرده و یادآور شده است: «بازار نفت با شکاف عرضه روبه‌روست. این اقدام نشان داد IEA اعتماد زیاد به کشورهای اوپکی ندارد.» این کارشناسان که عمدتا از سوی مصرف‌کنندگان انرژی هستند در حالی قیمت‌های بالای نفت و تاثیرات آن بر رکود اقتصاد جهانی را به گردن اوپک و تولیدکنندگان می‌اندازند که هیچ سخنی از سود سرشار دولت‌های صنعتی از مالیات وضع‌شده بر انرژی به میان نمی‌آورند.

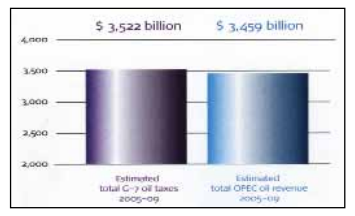

هیچ‌کس در غرب، صدای اعتراضی برای مالیات‌های هنگفت که موجب گرانی انرژی شده است، بلند نمی‌کند. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ هفت کشور صنعتی (G7) مجموعا سه هزار و ۵۲۲ میلیارد دلار از مالیاتی که بر نفت بسته‌اند، سود برده‌اند؛ این در حالی است که کشورهای عضو اوپک مجموع درآمد فروش نفت‌شان در همین بازه زمانی سه هزار و ۴۵۹ میلیارد دلار بوده است

سود مصرف‌کنندگان مساوی تولیدکنندگان نفت

کشورهای مصرف‌کننده از بشکه‌های نفتی بیش از سود کشورهای تولیدکننده است. نظام مالیاتی کشورهای بزرگ صنعتی چنان است که مصرف‌کننده نهایی نفت مجبور است معادل یا بیشتر از پول نفتی که دولتش برای خرید نفت می‌پردازد، مالیات دهد؛ بنابراین نفت گران می‌خرد. اما هیچ‌کس در غرب، صدای اعتراضی برای این مالیات‌های هنگفت که موجب گرانی انرژی شده است، بلند نمی‌کند. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ هفت کشور صنعتی (G7) مجموعا سه هزار و ۵۲۲ میلیارد دلار از مالیاتی که بر نفت بسته‌اند، سود برده‌اند؛ این در حالی است که کشورهای عضو اوپک مجموع درآمد فروش نفت‌شان در همین بازه زمانی سه هزار و ۴۵۹ میلیارد دلار بوده است. یعنی به طور میانگین هفت کشور صنعتی عضو G7 در فاصله بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ سالی ۷۰۴ میلیارد دلار از بشکه‌های نفتی مالیات می‌گیرند در حالی که در همین دوره زمانی، کشورهای تولیدکننده نفت سالی ۶۹۲ میلیارد دلار از فروش نفت عایدشان شده است. اوپک مظلوم شده است و هیچ‌کس در دنیا «علم» کاهش مالیات بر انرژی در کشورهای مصرف‌کننده را برای کاهش قیمت نفت برنمی‌دارد.

چند «طرفه» سود کردند

تازه این همه ماجرا نیست. برخی کارشناسان معتقدند کشورهای مصرف‌کننده انرژی سودشان را «چندطرفه» بار زده‌اند؛ هم مالیات گزاف‌شان را می‌گیرند و هم با گشودن در ذخایر استراتژیک، نفت‌های ذخیره‌شده‌شان را با قیمت بالا می‌فروشند و به اقتصادشان کمک می‌کنند و هم پس از کاهش شدید قیمت‌ها، دوباره مخازن‌شان را با نفت ارزان پر می‌کنند. به همین دلیل است که آمریکا، پس از جلب موافقت عربستان و متحدانش در افزایش تولید نفت، اقدام به گشودن درهای ذخایر استراتژیک کرد. هرچند نفت عربستان ترش و سنگین باشد، نمی‌تواند جایگزین نفت سبک و شیرین لیبی شود اما ذخایر استراتژیک کشورهای غربی می‌توانند جایگزین لیبی شوند تا مشکل این کشور در ماه‌های آتی حل شود و در این مدت عربستان و متحدانش ذخایر استراتژیک را پر کنند.

نفت سبک آمریکا به ۹۲ دلار رسید

سخنگوی سازمان ذخایر استراتژیک آمریکا اعلام کرده است که این کشور ۳۰ میلیون بشکه از ذخایر استراتژیک نفتش را به بازار عرضه خواهد کرد؛ یعنی نیمی از ذخایر آزادشده IEA. این مقام آمریکایی همچنین قیمت پایه فروش هر بشکه نفت سبک و شیرین ذخایر آزاده‌شده را ۱۱۲/۷۹ دلار تعیین کرد؛ این در حالی است که قیمت نفت سبک آمریکا در بازار نیویورک دیروز حدود ۹۲ دلار و قیمت نفت برنت دریای شمال حدود ۱۰۸ دلار معامله شد. حالا دلایل فشار اوباما بر ملک‌عبدالله برای افزایش تولید نفت به خوبی روشن شده است. آمریکا نفت سبکش را با قیمت بالا به بازار می‌دهد و انبارهایش را از نفت سنگین عربستان پر خواهد کرد. اما آیا عربستان در بلندمدت می‌تواند به افزایش تولید مستمر نفت اقدام کند؟!

بلوف نفتی عربستان

تولید نفت عربستان در سال گذشته میلادی ۸/۴ میلیون بشکه در روز بوده است. به گفته مقامات عربستانی؛ این کشور می‌تواند حدود ۱۲ میلیون بشکه نفت تولید کند؛ رقمی که با تردید کارشناسان روبه‌رو است، چراکه بیشتر مخازن عربستان پیر و فرتوت شده‌اند. سعودی‌ها بیش از ۵۰ درصد نفت‌شان را از مخزن «قوار» در قسمت شرقی نزدیک به بحرین تولید می‌کنند؛ مخزنی که نیمه دوم عمر خود را سپری می‌کند. بنابراین برای افزایش تولید نفت از این مخزن باید آب زیادی به آن تزریق کنند تا فشار مخزن بالا بیاید. پس در آینده به ازای هر یک بشکه نفت، سه بشکه آب از این مخزن تولید خواهند کرد. در دو ماه می و آوریل سعودی‌ها حدود یک میلیون بشکه بر تولید نفت‌شان افزودند اما چون بازار نداشتند، دوباره تولید را کاهش دادند. کارشناسان می‌دانند عربستان نمی‌تواند به طور طولانی‌مدت ظرفیت چهار میلیون بشکه‌ای را وارد بازار کند و این شبیه یک «بلوف نفتی» است با جنس «سیاست». برخی معتقدند عربستان شاید بتواند حداکثر ۱۰ میلیون بشکه در روز به طور مداوم تولید کند.

جواب فیصل را بدهید

با آنچه درباره تولید نفت عربستان گفته شد سخنان دو روز گذشته شاهزاده ترکی فیصل، برای تحت فشار قرار دادن ایران از طریق تولید نفت بیشتر و کاهش قیمت‌ها، در دوره زمانی طولانی با واقعیات تطابق ندارد. نه بخش کاهش قیمت‌ها که بخش تولید مازاد چهار میلیون بشکه‌ای نفت ترکی فیصل هر چند «بلوف» زده است اما مقامات ایرانی باید به این سخنان حساس باشند. بهترین پاسخ برای این‌گونه موضع‌گیری‌ها حفاظت از تولید نفت ایران و تلاش برای ظرفیت‌سازی در این بخش است.

بازی نفتی برای کاهش درآمد ایران؟

ایران کجای بازی نفتی تازه دنیا ایستاده است؟ در شرایطی که اداره اطلاعات انرژی آمریکا خودش نرخ رشد تقاضا در سال ۲۰۱۱ را نسبت به سال ۲۰۱۰ از ۲/۳ به ۱/۵ درصد کاهش داده بود، گشودن ذخایر نفتی استراتژیک برای کاهش قیمت نفت چه معنایی دارد. آن هم وقتی که ایران ظرفیت مازاد زیادی برای تولید نفت (بیش از سهمیه‌ها) ندارد و قیمت نفت را در بودجه امسال‌اش ۸۱ دلار تعیین کرده است. آیا با این روش قصد دارند درآمد نفتی ایران را کم کنند؟ در ماه آوریل سال جاری، روزانه ۸۷/۵ میلیون بشکه نفت در دنیا عرضه شده که ۵۰ هزار بشکه کمتر از سال قبل بوده است؛ این یعنی تقاضای واقعی. با چنین احوالی اگر ایران می‌توانست با یک دیپلماسی قوی، اوپک را از اختلاف نجات دهد و با یک افزایش حد وسطی، عنان بازی را به دست IEA ندهد، بازی خوبی کرده بود اما افسوس که نه شرایطش بود و نه مسوولان نفتی ما چنان توانی داشتند حالا در این شرایط وزارت نفت و حتی مقامات کشور باید به فکر آرام کردن فضای بین‌المللی و نزدیکی کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده باشند. شاید اجلاس این هفته اوپک و اتحادیه اروپا فرصت مناسبی باشد.

سکه در بازار آزاد ارزان‌تر از بازار رسمی

شرق: اختلاف قیمت سکه در بازار رسمی و غیررسمی به سه هزار تومان رسید تا بانک مرکزی سکه‌ها را گران‌تر از بازار آزاد به دست مشتریانش برساند. در آخرین روز از معاملات هفته گذشته، بانک مرکزی طی روز گذشته قیمت پایه سکه یک بهار آزادی را ۴۲۷ هزار تومان تعیین کرد که این نرخ بعد از لحاظ مالیات بر ارزش افزوده ۱۷هزار و ۸۰ تومانی با قیمت نهایی ۴۴۴ هزار و ۸۰ تومان در بانک ملی برای فروش عرضه شد. این در حالی بود که این سکه در بازار آزاد ۴۴۱ هزار تومان از سوی طلافروشان قیمت داده می‌شد. همچنین نرخ پایه نیم‌سکه در روز پنجشنبه ۲۱۳ هزار و ۸۰۰ تومان بود که با احتساب هشت هزار و ۵۵۲ تومان مالیات بر ارزش افزوده با قیمت نهایی ۲۲۲ هزار و ۳۵۲ تومان در بانک ملی فروخته شد، اما نیم‌سکه در بازار آزاد ۲۲۱ هزار تومان به دست مشتریانش می‌رسید. در روز پنجشنبه بانک مرکزی باز هم نرخ جدیدی را برای ربع‌سکه تعیین نکرد و این قطعه با همان نرخ قبلی در بانک ملی برای فروش قیمت‌گذاری و فروخته شد که قیمت پایه آن ۱۱۷ هزار و ۸۰۰ تومان و مالیات بر ارزش افزوده چهار هزار و ۷۱۲ تومانی با قیمت نهایی ۱۲۲ هزار و ۵۱۲ تومان در شعب منتخب بانک ملی فروخته شد. ربع‌سکه در آخرین روز معاملات هفته با قیمت ۱۲۶ هزار و ۵۰۰ تومانی در بازار آزاد به فروش می‌رفت. در معاملات روز پنجشنبه هر سکه تمام‌بهار آزادی طرح قدیم نیز ۴۶۲ هزار تومان بود که ارزانی پنج هزار تومانی را در مقایسه با قیمت روز چهارشنبه خود تجربه کرد. اختلاف قیمت و کاهش ارزشی که در آخرین روز معاملات هفته با بازار سکه‌ها همراه شد، با کاهش قیمت هر اونس طلا در بازارهای جهانی همراه شده است. بهای طلا در معاملات روز چهارشنبه از هزار و ۵۴۸ دلار به هزار و ۵۲۰ دلار در روز پنجشنبه رسید و در ساعات میانی معاملات روز جمعه نیز این کاهش ارزش طلا ادامه داشت و ارزش هر اونس طلا را به هزار و ۵۱۸ دلار رساند.

طلاو سکه	قیمت(تومان)	تغییر(تومان)
بهار آزادی طرح قدیم	۴۶۲۰۰۰	-۵۰۰۰
بهار آزادی طرح جدید	۴۴۱۰۰۰	-۲۰۰۰
نیم سکه بهار آزادی	۲۲۱۰۰۰	-۱۰۰۰
ربع سکه بهار آزادی	۱۲۶۵۰۰	-
هرمثقال طلای ۱۸ عیار	۲۰۲۰۲۰	-۶۴۰
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۴۳۸۴۰	-۱۴۰

ارزانی ۵۰ تومانی دلار در یک هفته

شرق: سایه ارزانی بر سر چهارراه استانبول افتاده است. به‌غیر از راهی که ارزهای معتبر به سمت ارزانی باز کرده‌اند، خبری در این بازار که چند روز پیش پرخبر بود و پر رفت و آمد، نیست. دیگر از آن همه شلوغی و تقاضا برای خرید دلار و یورو نیز خبری نیست. در این روزهای بازار ارزش ارزهای معتبر کمتر نگاهی به بازارهای جهانی و نوسانات ارزش در این بازارها دارد. تمام نگاه‌ها به بانک مرکزی است که چه تصمیمی می‌گیرد. در هفته‌ای که بازار ارز پشت سر گذاشت، بهای دولتی دلار ۵۶ تومان کاهش یافت تا واحد پولی ایالات متحده در بازار آزاد مجبور باشد دنباله رو نرخ مرجع ارز بوده و راه کاهش قیمت را در پیش بگیرد. در آخرین روز از معاملات هفته، هر دلار آمریکا ۱۰۹۱ تومان قیمت‌گذاری شد و این در حالی بود که این ارز در بازار آزاد ۱۱۶۵ تومان قیمت داشت که ۹ تومان ارزان‌تر از روز چهارشنبه قیمت داده می‌شد. با کاهش نرخ دلار رسمی توسط بانک مرکزی، نرخ دلار در بازار آزاد هم کاهش یافت به طوری‌که قیمت آن از ۱۲۱۵ تومان روز شنبه هفته جاری با کاهش ۵۰ تومانی به ۱۱۶۵ تومان در پایان هفته رسیده است، مقایسه قیمت‌ها حاکی از این مطلب است که نرخ دلار در بازار رسمی کمی بیش از نرخ دلار در بازار آزاد کاهش یافته است. این روند کاهش در حالی بر بازار ارز حاکم بود که ارزش دلار در بازارهای جهانی افزایش یافت و بانک مرکزی نیز در گزارش خود از نوسانات بازار در هفته گذشته به این امر اشاره کرده و نوشته است که در هفته گذشته دلار در برابر شش ارز عمده تقویت شد و شاخص دلار (میانگین وزنی این شش ارز) با ۱/۴ درصد افزایش به عدد ۷۴/۸۳ در پایان وقت روز جمعه رسید. این در حالی بود که افزایش ارزش در بازار ایران تاثیرگذار نبود و نرخ مرجع این ارز بدون توجه به بازارهای جهانی راه کاهش در پیش گرفت.

ارز	قیمت(تومان)	تغییر(تومان)
دلار آمریکا	۱۱۶۵	-۹
یورو	۱۶۷۵	-۱۰
پوند	۱۹۵۰	-۳۰
دلار کانادا	۱۲۳۵	-۱۵
یکصدین ژاپن	۱۴۶۵	+۵
درهم	۳۲۵	-

کاهش ۵۹ درصدی ارزش معاملات در یک هفته

شرق: تالار شیشه‌ای در هفته گذشته کاهش ۵۹ درصدی ارزش معاملات را تجربه کرد و این در حالی بود که در این هفته شاخص کل ۲۷۱ واحد رشد کرد. بورس اوراق بهادار تهران در هفته منتهی به اول خرداد شاهد معامله ۹۱۱ میلیون سهم و حق تقدم به ارزش دو هزار و ۸۸۳ میلیارد ریال بوده است. در این بازار، ارزش و حجم معاملات به ترتیب از افت ۶۴ و ۵۹ درصدی برخوردار بوده است. همچنین در پنج روز فعالیت کاری، بورس اوراق بهادار تهران دفعات معامله و تعداد خریداران به ترتیب از کاهش ۲۸ و ۱۹درصدی مواجه شد. ۲۴ هزار و ۴۲۲ خریدار حقیقی و حقوقی در ۷۴ هزار و ۲۲۰ دفعه معاملاتی به خرید و فروش سهام در بازار سرمایه مبادرت کرده‌اند. به گزارش موج، شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران با رشد ۲۷۱واحدی به ۲۵ هزارو ۱۲۶ واحد رسید. همچنین شاخص قیمت و سود نقدی نیز از رشد یک‌هزار و ۱۰۴واحدی برخوردار شد تا در نهایت در پایان هفته به ۱۰۲ هزار و ۲۲۷ واحد برسد. شاخص‌های مالی و صنعت نیز به ترتیب از رشد دو هزار و ۴۲ واحدی و ۱۱۳ واحدی برخوردار شدند. شاخص ۳۰شرکت بزرگ نیز در پی رشد ۳۰ واحدی به رقم یک هزار و ۵۷۱ واحدی دست یافت. در بازار اول بورس اوراق بهادار تهران در هفته منتهی به اول خرداد، امسال ۷۴۴ میلیون سهم و حق تقدم به ارزش دو هزار و ۵۲۱ میلیارد ریال مورد معامله قرار گرفت.

شرح	هفته‌جاری	درصد تغییر
ارزش کل معاملات (میلیارد ریال)	۲/۸۸۳	-۵۹
حجم معامله شده (میلیون سهم)	۹۱۱	-۶۴
دفعات معامله	۷۴/۲۲۰	-۲۸
تعداد خریداران	۲۴/۴۲۲	-۱۹
روزهای فعالیت	۵	۰

خبر

ادغام وزارتخانه‌ها و طرح جامع انرژی کشور

صادق نوابی*

■ از ۱۴ اردیبهشت که کلیات ادغام وزارت نفت در وزارت نیرو در هیات دولت تصویب شد، بحث‌های گوناگونی پیرامون کارشناسی بودن یا نبودن این تصمیم درگرفت و مخالفت‌های زیادی را برانگیخت. در جلسه روز ۲۸ مرداد میان نمایندگان مجلس و نماینده دولت نیز بحث ادغام‌ها مطرح شد اما نتیجه‌ای در این خصوص اعلام نشد. موافقان این طرح تاکید می‌کنند در بیشتر کشورهای جهان «وزارت انرژی» وجود دارد و وجود این وزارتخانه باعث رفع مدیریت دوگانه در حوزه انرژی می‌شود و یک تجربه موفق جهانی است که باید از آن تبعیت کرد. عمده استدلال مخالفان هم این است که اقتصاد ایران تکیه قابل توجهی به بخش نفت دارد. من در این یادداشت قصد ندارم درستی یا نادرستی این ادغام یا گزینه‌های چگونگی ادغام را بررسی کنم. این ادغام اثرات چندجانبه دارد؛ ممکن و محتمل است اثرات آن بر بخش مدیریت انتقال و مصرف انرژی مثبت اما در اقتصاد کلان منفی باشد. تردیدی نیست که این ادغام می‌تواند تاثیرات قابل توجهی بر بخش انرژی داشته باشد؛ مدیریت دوگانه یکی از معضلات اساسی بخش انرژی در سال‌های گذشته بوده است. به عنوان مثال وزارت نیرو به عنوان یکی از متولیان بخش انرژی دغدغه پاسخگویی به پیک بار مصرفی مشترکان را داشته است و با توجه به رشد مداوم پیک بار مصرفی و کمبود منابع مالی، راه‌اندازی واحدهای سیکل نیروگاه‌های سیکل ترکیبی (که موجب افزایش راندمان نیروگاه‌ها و صرفه‌جویی در مصرف گاز می‌شود) را در اولویت اول قرار نمی‌داده است. در مقابل شرکت ملی گاز که دغدغه تامین گاز مصرفی را داشته است، از این بابت گله‌مند بوده تا آنجا که این گله‌گذاری در سطح رسانه‌های عمومی نیز بارها مطرح شده است یا به عنوان مثال وزارتخانه‌های نیرو و نفت دو مجموعه آمار سالانه «ترازنامه انرژی کشور» و «ترازنامه هیدروکربوری» را منتشر می‌کنند که در برخی موارد آمارهای ارایه شده در این دو ترازنامه اختلاف قابل توجه با یکدیگر دارد. اما مساله این است که تهدیدهای فراروی بخش انرژی کشور صرفا با رفع این مدیریت دوگانه برطرف نخواهند شد. حلقه مفقوده مدیریت مناسب بخش انرژی کشور، وجود یک برنامه جامع‌نگر و استراتژیک برای بخش انرژی است که با نام «طرح جامع انرژی کشور» شناخته می‌شود. فقدان طرح جامع انرژی کشور تاکنون عواقب بسیار گسترده و زیانباری برای ما داشته است. به عنوان مثال ایران دارای منابع عظیم گاز طبیعی است و بالطبع افزایش سهم گاز طبیعی در سبد انرژی مورد قبول سیاست‌گذاران قرار گیرد. اما فقدان طرح جامع انرژی باعث شده است که ما به سومین مصرف‌کننده گاز دنیا تبدیل شویم؛ در حالی که حتی به اندازه یک روز ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز طبیعی نداریم (دو مصرف‌کننده عمده گاز طبیعی معادل ۶۴ و ۷۰ روز گاز مصرفی خود را ذخیره می‌کنند و از این جهت اگر در منابع تامین گاز با مشکل مواجه شوند، می‌توانند برای مدتی طولانی نیازهای خود را برطرف کنند). مصرف گاز طبیعی در کشور ما به قدری افزایش یافته است که گاهی حتی توانایی تزریق گاز به چاه‌های نفت وجود ندارد که این مساله یک تهدید اساسی است. گازرسانی به مناطق شمالی کشور و صنایع در زمستان و تامین برق مصرف‌کنندگان در تابستان با مشکل مواجه است. فقدان تنوع در سبد انرژی، امنیت انرژی کشور را خدشه‌دار کرده است، قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی متناسب با یکدیگر و هم‌جهت با سیاست‌های کلان بخش انرژی نیست، متوسط راندمان نیروگاه‌ها کم و اتلاف در شبکه انتقال برق زیاد است و... مسایلی از این دست شرایطی را به وجود آورده است که در یک کلام، بدون اغراق می‌توان آن را بحران بخش انرژی نامید. متاسفانه این بحران در بخش انرژی نیز محدود نمی‌ماند و به سایر بخش‌های اقتصادی گسترش پیدا می‌کند. تاکنون چند مرتبه نسبت به تهیه «طرح جامع انرژی کشور» اقدام شده است که متاسفانه این اسناد هیچ‌گاه اجرایی نشده‌اند. در حال حاضر نیز طرح جامع انرژی (با افق ۱۴۰۳ هجری شمسی) در دست تهیه است که گفته می‌شود تا پایان سال ۱۳۹۰ تدوین این طرح به پایان می‌رسد (شانا، ۱۳۹۰/۲/۴)؛ این خبر دلگرم‌کننده است. سرمایه انسانی و کارشناسی جمع‌شده در نهادهای تخصصی ما قابل احترام است، اما سوال این است که از نتایج این طرح تا چه حد بهره گرفته خواهد شد و نتایج این طرح تا چه میزان به اجرا در خواهند آمد؟ طرح جامع انرژی کشور از جمله به بررسی اثرات متقابل بین اقتصاد کلان و بخش انرژی کشور می‌پردازد و در این زمینه می‌تواند برنامه مشخصی درخصوص قیمت‌گذاری حامل‌ها ارایه دهد. بنابراین آیا بهتر نبود تغییر قیمت حامل‌های انرژی (موسوم به هدفمند شدن یارانه‌ها) به ارایه دستاوردهای طرح جامع انرژی موکول می‌شد؟ همچنین طبیعتا این طرح به بررسی نظام مدیریت انرژی و مباحث سازمانی و نهادی مربوطه می‌پردازد و پیشنهادهای مشخصی در این خصوص ارایه خواهد داد. بنابراین آیا بهتر نیست تا روشن شدن نتایج و دستاوردهای این طرح، تصمیم‌گیری درخصوص ادغام وزارتخانه‌های نفت و نیرو به تعویق بیفتد؟ در این صورت درست است که تصمیم‌گیری یک سال دیرتر انجام خواهد شد، اما دست‌کم اطمینان داریم که این تصمیم‌گیری به روش مناسب و با استفاده از ظرفیت کارشناسی کشور انجام شده است. از سوی دیگر موکول کردن این تصمیم‌گیری به نتایج طرح جامع انرژی کشور می‌تواند این پیام را داشته باشد که این بار، برخلاف دفعات گذشته قرار نیست مجموعه گزارش‌های «طرح جامع انرژی» صرفا در قفسه‌های کتابخانه‌ها خاک بخورد! طرح جامع انرژی مهم‌ترین سند استراتژیک بخش انرژی کشور است و معضلات استراتژیک این بخش (از جمله مسایل نظام قیمت‌گذاری و نظام مدیریتی) باید با توجه به نتایج این طرح حل و فصل شود.

*کارشناس مسایل استراتژیک حوزه انرژی

تحصیل در انگلستان
تندیس
InterTandis.com
موسسه تندیس بین‌الملل دانش
با مجوز رسمی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری
دوره‌های زبان، دبیرستان
پیش دانشگاهی، لیسانس و فوق لیسانس
تنها نماینده ukstudy در ایران
ویزای تضمینی
مشاوره رایگان
تلفن‌های تماس:
۰۲۱-۸۸۶۵۲۰۸۰-۲
ساعت تماس از ۹ صبح تا ۸ شب
www.intertandis.com
ایمیل: info@intertandis.com

دکتر کاملیا علیجانی
ن-پ: ۹۳۱۸۳
جراح - دندانپزشک
BDS-DDS
عضو انجمن دندانپزشکان زیبایی آمریکا
عضو رویال کالج Edinbrough
گواهینامه ایمپلنت از آمریکا و انگلیس و فرانسه
www.alijanidentalcenter.com
خیابان شریعتی، خیابان ظفر، پلاک ۵۷، واحد ۶